

امام باقر (علیه السلام) و نشر فرهنگ شیعی

دوران زندگانی امام باقر (علیه السلام) مقارن با افول قدرت و هیبت امویان و اقتدار عباسیان شده بود.



دوران زندگانی امام باقر (علیه السلام) مقارن با افول قدرت و هیبت امویان و اقتدار عباسیان شده بود. در دوره‌ای که جامعه هنوز در تب و تاب بزرگ‌ترین و تأثیر گذارترین انقلاب صدر اسلام؛ عاشورا می‌سوخت و طواغیت زمان کمر به ریشه کن نمودن جنبش‌های ناشی از این انقلاب سترگ بسته بودند امام باقر (علیه السلام) در سنگری دیگر مبارزه را ادامه داد و تمام لحظات عمر با برکت خویش را صرف تعالی فرهنگ ناب شیعی نمود. امام باقر (علیه السلام) به عنوان شخصیت ممتاز علمی عصر، با تکیه بر این ویژگی خود، بزرگ‌ترین خدمات ممکن را در عصر خود به اسلام نمود. شخصیت علمی امام باقر (علیه السلام) در دوران حیات او، بسیار برجسته و محضر او همواره مملو از دانشمندان و دانشورانی بود که در جست و جوی سرچشمه دانش بودند.

1. پویایی تلاش‌های علمی امام باقر (علیه السلام)

امام از کودکی شکافنده دانش‌ها خوانده می‌شد؛ چرا که سرآمد دانشمندان و عالمان روزگار بود. آوازه دانش امام (علیه السلام) به تمامی سرزمین‌های اسلامی رسیده بود و مردم، به ویژه دانشوران شیفته نام و آوازه او بودند و این شیفتگی در بین مردم عراق بیشتر به چشم می‌خورد و دوست و دشمن زبان به ستایش دانایی او گشوده بودند. آمده است: هشام بن عبدالملک - خلیفه وقت - او را در مسجد الحرام دید، در حالی که بر دست غلامش تکیه کرده بود، پرسید: آیا او همان کسی است که مردم عراق شیفته و بهت زده [علم] اویند؟ پاسخ داد: آری. سپس به غلامش دستور داد تا نزد او برود و امام را برای پاسخ به پرسش‌های خلیفه فرا خواند. خلیفه پرسش‌هایش را مطرح کرد و امام به گونه‌ای پاسخ داد که هشام خاموش ماند و هیچ نتوانست بگوید.

با این مقدمه نیکوست نگاهی به تلاش‌های سودمند و کارآمد امام در مسیر پیشبرد اهداف اسلامی و اشاعه فرهنگ ناب علوی انداخته شود.

2. پی‌ریزی تدوین حدیث

در پی انحرافات عمیقی که پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به وجود آمد، رخداد تأسف برانگیزی دامن‌گیر جهان اسلام شد و آن جلوگیری از تدوین احادیث اهل بیت (علیهم السلام) بود که آثار زیان‌بار آن سالیان دراز بر پیشانی فرهنگ دینی مردم باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله) و سخنان تابناک اهل بیت (علیهم السلام) جلوگیری شدیدی به عمل آمد و به جای آن سیل عظیمی از تحریفات در زمینه احادیث نبوی و جعل آن‌ها به فرهنگ و اعتقاد مردم روی آورد که به اسرائیلیات؛ شهرت یافت؛ تا سال 100 هجری که عمر بن عبدالعزیز؛ فرمان تدوین احادیث را به ابوبکر بن محمد انصاری؛ صادر کرد.

او که از رجال و بزرگان تابعین به شمار می‌رفت و از اصحاب علی (علیه السلام) شمرده می‌شد، به بازگرداندن فدک به اهل بیت (علیهم السلام) و تدوین حدیث کمر بست. امام باقر (علیه السلام) از این فرصت استثنایی کمال بهره‌رزا برد و بیان احادیث را آغاز کرد و راویان مختلف از ایشان ده‌ها هزار حدیث نقل کردند. در واقع، امام باقر (علیه السلام) نماینده مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و نخستین سرو سامان دهنده احادیث تابناک معصومان (علیهم السلام) بود.

از این رو، بسیاری از محدثان وقت با دیدن تلاش‌های بی دریغ امام، به نگاشتن و نگاهداری سخنان امام کمر بستند و بدین سبب، بیشتر احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) است.

3. اصول استنباط احکام فقهی

یکی از شاخه‌های بزرگ علوم اسلامی؛ علم اصول؛ است که با بهره‌گیری از آن احکام شرعی را از ادله شرعیه استخراج می‌کنند. از این رو، اجتهاد متوقف بر آن است و مجتهد برای استنباط احکام شرعی به آن نیاز مبرم دارد و ملکه اجتهاد برای او حاصل نمی‌شود، مگر اینکه به تمامی بحث‌های آن آشنایی کامل داشته باشد.

تمامی دانشمندان شیعی بر این باورند که امام باقر (علیه السلام)، نخستین کسی بود که این علم را تأسیس کرد و

قواعد آن را به وجود آورد و بدین وسیله دروازه اجتهاد را به روی دانشمندان اسلامی گشود. قواعدی را که امام تأسیس کرد به این نام‌ها در بین اصولیین شهرت یافت.

استصحاب، قاعده تجاوز، قاعده فراغ، قاعده نفی ضرر، علاج تعارض بین اخبار و... تمامی این قواعد به همراه اخباری که از امام در مورد آنها صادر شده است، در کتاب‌های اصولی موجود است. به گونه‌ای که هر يك از این روایات، درون مایه تأسیس قاعده‌ای بزرگ در اصول فقه قرار گرفت و آن را مبنای قواعد اصولی قرار دادند. امام باقر (علیه السلام) وقتی باب اجتهاد را به روی دانشمندان گشود، عده‌ای با اتخاذ برخی شیوه‌های نادرست در اجتهاد، مانند «قیاس» و «استحسان» استنباط احکام شرعی را با خطری جدی روبه‌رو کردند. آنان با قوانینی این گونه، گاه به مخالفت با نص کتاب و سنت و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برخاستند.

از این دانشمندان، می‌توان از «نعمان بن ثابت» نام برد که به نام «ابو حنیفه» شهرت یافت. او فتاوی عجیب و قیاساتی را وارد کرد و بر پایه گمان و سلیقه خود فتواهایی داد که این فتاوی اکنون در دست است. از دیگر این افراد می‌توان از «سفیان بن سعید بن مسروق» مشهور به «سفیان ثوری» نام برد که برخی نیز او را از اطرافیان امام صادق (علیه السلام) ذکر کرده‌اند. از او نیز روایاتی در دست است که دلالت بر کژ اندیشی او دارد. آنان گاه مورد لعن اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز قرار می‌گرفتند.

آنچه اهمیت دارد این است که این گونه برداشت‌های اشتباه و به کارگیری شیوه‌های نادرست در استنباط احکام، همواره مورد ذم اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بوده و بخشی از تلاش‌های امام باقر (علیه السلام) را نیز در زمینه مبارزات فرهنگی به خود اختصاص می‌داده است. امام برای زدودن این شیوه و به کارگیری کارکردهای صحیح اجتهاد به اصحاب وارسته خود می‌فرمود: «سنت رسول خدا قیاس بردار نیست. چگونه می‌توان قیاس را ملاک [استنباط حکم] قرار داد، در حالی که بر زن در دوران قاعدگی‌اش قضای روزه واجب است، ولی قضای نماز واجب نیست؟»

4. باز یافت بهره‌گیری صحیح از قرآن

هر چند سیاست جلوگیری از تدوین احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله) با شعار «کافی بودن قرآن» پیش می‌رفت، اما از عمل به قرآن خبری نبود و فقط از آن به صورت ابزاری برای جلوگیری از نشر معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) استفاده می‌شد. کتاب خدا به ابزاری برای دست یابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) با تأویل و تفسیر به رأی، به ابزار سرکوبی مخالفان تبدیل شده و در واقع، قرآن در انزوای شدید بود.

امام باقر (علیه السلام) در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام‌ها را زدود و مشقت مخالفان و سودجویان را باز کرد. او همواره برای به اثبات رسانیدن مدعاهای خود از آیات قرآن بهره می‌گرفت و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می‌گرفت و می‌فرمود: «هر آن‌چه را می‌گویم از من سؤال کنید که در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم».

امام به اندازه‌ای بر آیات قرآن تسلط داشت که «مالك ابن اعین» شاعر هم عصر امام درباره او سرود:

اگر مردم در صدد جست و جوی علوم قرآن برآیند، باید بدانند که قریش بهترین دانای آن را دارد و اگر امام باقر (علیه السلام) در علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروغ زیادی برای آن ترسیم خواهد نمود...» شایان ذکر است که امام کتابی در تفسیر قرآن نگاشت که «زیاد بن منذر» و بسیاری از بزرگان چون «ابو بصیر» از آن روایت می‌کردند.

5. مرجعیت فقهی

از دیگر تلاش‌های چشم‌گیر امام در جهت نشر تعالیم اسلامی، مرجعیت عملی امام در پاسخ‌گویی به مسائل فقهی مردم بود. «ابو حمزه ثمالی» می‌گوید: «نزد امام باقر (علیه السلام) در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودم که مردی نزد من آمد و سلام کرد و پرسید: کیستی ای بنده خدا؟ گفتم: از کوفیان هستم، چه می‌خواهی؟ گفت: آیا ابا جعفر را می‌شناسی؟ گفتم: بله، کارت با او چیست؟ گفت: چهل مسئله آماده کرده‌ام و در پی جواب آنم تا بدانم به کدام باید عمل کنم... در این هنگام، امام وارد شد؛ در حالی که جماعتی از اهل خراسان و دیگر استان‌ها همراه وی بودند و در مورد مسائل حج از امام می‌پرسیدند. آن مرد نیز نزدیک امام نشست و پرسش‌های خود را مطرح کرد و پاسخ گرفت».

همچنین، بسیاری از دانشمندان چون «فتاده بن دعامة»، «طاووس یمانی»، «عاصم

بن عمر؛ هرگاه حضرت را می‌دیدند برای پاسخ گرفتن پرسش‌های خود از لحظات بهره می‌جستند و در هر حالی از امام سؤال می‌کردند. نمونه‌های زیادی از این گونه گفت و گوها و پرسش و پاسخ‌ها در تاریخ آمده است.

6. رهیافت شناساندن جایگاه امام
امام باقر (علیه السلام) تلاش فراوانی برای جلب دل‌ها به سوی دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) مبذول می‌داشت و در صدد بود تا با این شیوه، جایگاه امامت را به گونه‌ای روشن‌تر برای مردم ترسیم کند و وسیله نجات و رستگاری را به آنان بنمایاند. «حکم بن عتیبه؛ طی داستان تأثیر گذاری در این باره می‌گوید:

«من کنار ابا جعفر (علیه السلام) در مجلسی پر ازدحامی نشسته بودم که پیرمردی عصا زنان وارد مجلس شد. بر آستانه در ایستاد و گفت: درود و رحمت خدا بر تو ای پور پیامبر. امام پاسخ سلامش گفت. سپس رو به حاضران کرد و به آنان نیز سلام نمود. سپس پیش روی امام آمد و گفت: ای پسر فرستاده خدا! مرا نزدیک خود جای ده که جانم فدایت باد! به خدا سوگند که من شما (اهل بیت) را دوست می‌دارم و با هر که شما را دوست بدارد دوستم و به خدا سوگند که این دوستی با شما (اهل بیت) و دوستان‌تان به خاطر مطامع دنیوی نیست. من از دشمنان شما بیزارم و سوگند که دشمنی‌ام با آنان به خاطر گمراهی و زبونی‌شان است. سوگند که حلال شما را حلال می‌دانم و حرامتان را حرام و دستوراتان را بر چشمم قرار داده‌ام. فدایت شوم، آیا بر من امیدی [از رستگاری] هست؟ امام به او فرمود: جلوتر بیا. و او را آنقدر به پیش خواند که پهلوی خود نشانده و فرمود: ای پیرمرد! مردی از پدرم علی بن الحسین (علیه السلام) همین را پرسید و پدرم پاسخ داد: آن‌گاه که از دنیا رخت بر بستی، نزد جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و فرزندانش وارد می‌شوی.

دلت سرور می‌یابد، خاطرت آسوده می‌گردد، چشم‌ت [به دیدارشان] روشن می‌شود و به بهترین گونه نزد پروردگارت حاضر می‌شوی و آن‌گاه که جانت به این‌جا رسید - و به گلوئی پیرمرد اشاره فرمود - در بالاترین منزلگاه با ما خواهی بود و زندگانی آخرت، روشنی چشم‌ت خواهد شد.

پیرمرد از خرسندی پرسید: چگونه؟ امام باز هم برایش گفت. پیرمرد با شور و اشتیاقی بسیار گفت: الله اکبر! آیا به راستی آن‌گاه که بمیرم نزد پیامبر و خاندانش وارد می‌شوم و [از دیدارشان] دیده روشن می‌کنم؟ ...
اشک شوق بر رخسار پیرمرد تراوید، زانوانش سست شد، گریه‌اش بالا گرفت و بر زمین نشست. حاضران نیز با دیدن این عشق بازی اشک شوقشان بیرون تراوید. امام اشک از چشمان پیرمرد پاک کرد. پیرمرد گفت: ای فرزند فرستاده خدا! فدایت گردم دستت را به من بده. دست امام را گرفت بوسید و بر صورت و چشمانش کشید. آن‌گاه گریبان گشود و دست امام را بر روی قلب خود گذاشت و گفت: سلام خدا بر شما (اهل بیت) (علیهم‌السلام) باد و رفت. امام به حاضران رو کرد و فرمود: هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند به او نگاه کند. راوی می‌گوید: هرگز مجلسی را چنین حسرت زده ندیده بودم؛

7. نیایش؛ کانون ترویج آموزه‌های دینی

یکی از فعالیت‌های بارز امامان در زمینه نشر تعالیم دینی و آموزه‌های بلند عرفانی، بهره‌گیری از زبان نیایش برای اشاعه فرهنگ ارتباط با خدا در تمامی حالات زندگی است. آنان در هنگامی که جامعه را امواج تلاطم فساد و تباهی، زورگویی و زر سالاری و خفقان و اسلام ستیزی در نور دیده بود، با خدای خویش راز و نیاز می‌کردند و برای بیان بخشی از عقاید و فرهنگ اسلامی از دعا بهره می‌گرفتند و در سنگر دعا، مردم را به توجه بیشتر به پروردگار و مبارزه با زورگویان فرا می‌خواندند. هر چند مقصود اصلی آنان در این نیایش، بندگی و پرستش خدای بزرگ بود، با توجه به تعبیری که در نیایش آن‌ها وجود دارد از لابه‌لای آن، مفاهیمی چون خلافت اهل بیت (علیهم‌السلام)، عدم سکوت در برابر ظلم و... را نیز می‌توان دریافت.

در بیشتر ادعیه، جمله صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به چشم می‌خورد و این در حالی است که دشنام به اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه امیر مؤمنان (علیه السلام) سکه رایج حکمرانان وقت شده و آیات خدا به دست فراموشی سپرده شده بود. امام باقر (علیه السلام) در نیایشی برای دریافت خواسته‌های خود از خدا، چنین می‌فرماید:

«... پروردگارا! تو را به تمامی نام‌ها و هایت می‌خوانم که آن‌ها را خود نامیدی و یا در کتابت فرو فرستادی، و یا آن‌ها را بر برخی از بندگان فرا آموختی که بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندان او درود فرستی و قرآن را بهار قلبم و آن را نور چشمم و وسیله از بین بردن غم‌هایم قرار دهی...»
امام در دیگر دعاهاى خود افزون بر این مسائل، اعتقادات درست اسلامی را در زمینه یگانه پرستی، خدا محوری، رسالت، بازگشت به سوی خدا، وسوسه‌های شیطان و... نیز بیان می‌فرمود.

8. توسعه فرهنگ انتظار

تلاش‌های گسترده و عمیق امام باقر (علیه السلام) در نشر معارف اسلام ناب، مردم را به سوی فرهنگ انتظار امام آخرین (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سوق می‌داد. او در تبیین این فرهنگ بر آن بود تا با روشن کردن زوایای پنهان فرج آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و پاسخ دادن به پرسش‌های گوناگون، غیبت و ظهور او را امری خدادادی و خارج از اختیار معرفی و نیز منتظران را به انتظار ظهور او ترغیب کند. «ام‌هانی ثقیفة» می‌گوید: «بامداد، خدمت سرورم محمد بن علی الباقر (علیه السلام) رسیدم و گفتم: سرورم! آیه‌ای از کتاب خدا بر دلم خطوط کرده و مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم در ربوده است. فرمود: پرس ای ام‌هانی. گفتم: «قَلا أَقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ» (تکویر: 15 و 16) فرمود: ای ام‌هانی! خوب مسئله‌ای پرسیدی. او مولودی در آخر الزمان است. او مهدی این دودمان است و برای او غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن گمراه می‌شوند و گروهی نیز هدایت می‌یابند و خوشا بر تو اگر او را دریابی و خوشا به حال کسی که او را دریابد.»

برگرفته از: یاس - اسفند 1385، شماره 48

منبع: <http://www.hawzah.net>